



# طریقہ نماز های قضاء



شیخ طریقت، امیر اہلسنت، بانی دعوت اسلامی، حضرت علامہ مولانا ابوبلال  
محمد الیاس عطار قادری رضوی دامت برکاتہم  
العالیہ

مکتبۃ المدینہ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد المرسلين  
أما بعد فأعوذ بالله من الشيطان الرجيم بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## طریقه نمازهای قضاء

لطفاً این رساله را مکمل بخوانید إن شاء الله عز وجل فوائدها را خواهد دید.

### فضیلت درود شریف

سلطان دو جهان محبوب رحمن صلی الله تعالی علیه وآله وسلم ارشاد فرمودند:  
بر من درود خواندن نوری است بر پل صراط، کسی که بر من در روز جمعه  
هشتاد بار درود بخواند گناهان هشتاد سالش بخشیده می شوند<sup>(۱)</sup>.  
صلّوا علی الحبيب ! صلی الله تعالی علی محمد

### بربادی قضاء کنندگان

درباره کسانی که قصداً نماز را قضا میکنند در آیات 4، 5 سوره ماعون  
ارشاد میگردد:

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ  
فَرَامُوشَ از نماز شان نشستہ اند.  
عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ.

درباره آیه سوره ماعون وقتی که حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله تعالی  
عنه در بارگاه رسالت استفسار کردند، پس آقائی نامدار صلی الله تعالی علیه وآله وسلم  
فرمودند: مراد از کسانی اند که وقت را گذرانده بعد نماز می خوانند<sup>(۲)</sup>.

(۱) جامع الصغير، حرف الصاد، ص ۳۲۰، شماره حدیث (5191).

(۲) السنن الكبرى للبيهقي، كتاب الصلاة، باب الترغيب في حفظ وقت الصلاة، ج ۲، ص ۳۰۴، شماره حدیث (۳۱۶۳).

در آیه بیان شده ۴ تذکرة “ویل” است، صدرالشریعه، بدرالطریقه حضرت مولانا محمد امجد علی اعظمی رحمة الله تعالى علیه میفرماید: در جهنم یک وادی خوفناک بنام “ویل” است که از شدت آن خود جهنم هم پناه می خواهد، قصداً قضاء کنندگان نماز مستحق آن هستند<sup>(۱)</sup>.

حضرت امام محمد بن احمد ذهبی رحمة الله تعالى علیه می فرماید: گفته شده است که در جهنم یک وادی هست که نامش “ویل” است، اگر کوه در آن انداخته خسته شود پس آنهم از شدت گرمی اش آب خواهد شد و این جای گناه کسانی است که در نماز سستی کرده بعد از وقتش قضاء کرده می خوانند مگر این که بر کوتاهی خویش نادم گردند و در بارگاه خداوندی توبه کنند<sup>(۲)</sup>.

## سزای سر کوبیدن

تاجدارِ مدینه منوره، سردار مکه مکرمه صلی الله تعالى علیه وآله وسلم صحابه کرام رضی الله تعالى عنهم را خطاب فرمودند: امشب دو شخص (یعنی جبرائیل و میکائیل) نزد من آمدند و مرا در ارض مقدسه بردند، من دیدم که یک شخص دراز کشیده است و در قسمت برابری سرش شخصی دیگری سنگ بالا گرفته ایستاده است و پی در پی باسنگ سرش را می کوبد بعد از هر بار کوبیدن، سر دوباره درست می شود، من بفرشتگان گفتم: سبحان الله این کی است؟ آنها عرض کردند، جلو تر تشریف بفرمائید (بعد از نشان دادن مناظر زیاد) فرشته عرض کردند که: شخص اول که ملاحظه فرمودید کسی بود که قرآن را حفظ

(۱) بهار شریعت، حصه ۳، ص ۷.

(۲) کتاب الکبائر، ص ۱۹.

کرده بود بعد فراموش کرده بود و در وقت نمازهای فرض عادی خواب بود تا قیامت با آن چنین رفتار می شود.<sup>(۱)</sup>

برادران عزیز اسلامی! بعد از حفظ آیات یا آیه از قرآن را در اثر غفلت فراموش کنندگان آن و بالخصوص کسانی که از تنبلی برای نماز فجر بیدار نمی شوند عبرت باید کرد. اکنون قصداً قضاء کنندگان نماز واقعه درد ناک عذاب قبر یک زن را ملاحظه فرمایند:

## شعله های آتش در قبر

خواهر یک شخص فوت شد، وقتی که او را قبر کرده برگشت، یادش آمد که کیف پولش در قبر افتاده است چنانچه بقبرستان برای برداشتن کیفش آمده قبر خواهرش را باز کرد، حادثه ای را که دید دلش به تکان در آمد، او دید که شعله های آتش در قبر خواهرش زبانه می زند بناءً خوفزده شد و فوراً خاک بر قبر خواهرش ریخت از دیدن این واقعه خوف زده و گریان نزد مادرش آمد و پرسید: ای مادر عزیزم! حال خواهرم در اینجا چگونه بود؟ او گفت: پسرم چرا می پرسید؟ عرض کرد: من در قبر خواهرم شعله های آتش را دیدم که زبانه می زد وقتی که مادر این واقعه را شنید او هم بگریه افتاد و گفت افسوس! خواهرت در نماز تنبلی می کرد نمازش را قضاء می کرد و می خواند.<sup>(۲)</sup>

برادران عزیز اسلامی! درحالی که قضاء کنندگان نماز را چنین سزا باشد پس آن بد بختی که از اول اصلاً نماز نمی خواند انجامش چگونه خواهد بود.

(۱) ملخص از صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۰۴۳.

(۲) مکاشفة القلوب، ص ۱۸۹.

## اگر نماز خواندن را فراموش کند پس؟

تاجدار رسالت، محبوب ربّ العزت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم ارشاد فرمودند: کسی که وقت نماز بخوابد یا فراموش کند پس وقتی که بیداش آمد بخواند که همان وقت آن است<sup>(۱)</sup>.

فقهای کرام رحمهم الله می فرمایند: اگر نماز از خواب یا فراموشی قضاء شد پس قضاء خواندنش فرض است. البته گناه قضاء بر آن نیست مگر در بیداری و یادآوری اگر وقت مکروه نبود فوراً بخواند که تاخیر مکروه است<sup>(۲)</sup>.

## در حالت مجبوری ثواب خواندن می رسد یا خیر؟

در صورت چشم باز نکردن ثواب اداء نماز فجر در صورت قضاء شدن آن می رسد یا خیر؟ ضمن این مسئله اعلی حضرت امام اهل سنت پروانه شمع رسالت مولانا شاه احمد رضا خان رحمة الله تعالی علیه در ج ۸، ص ۱۶۱، فتاوی رضویه می فرمایند: نمازی که قضاء گردیده در ادای آن رسیدن ثواب در اختیار خداوند است.

## خوابیدن در قسمت آخر شب

کسی که بعد از داخل شدن وقت نماز خوابید، بعد وقت تمام شد و نماز قضاء گردید پس بطور قطعی گناهگار است وقتی که اعتماد درست بر بیداری نداشت یا بیدار کننده هم وجود نداشت، بلکه در فجر قبل از دخول وقت هم اجازه خواب نیست در حالی که اکثر قسمت شب را در بیداری سیری کرد و

(۱) صحیح مسلم، کتاب المساجد، باب قضاء الصلاة الفائتة شماره حدیث (315-674)، ص 346.

(۲) عالمگیری، ج ۱، ص ۱۲۴.

ظن غالب است که اگر اکنون خوابید پس در وقت نماز چشم‌ها باز نخواهند شد<sup>(۱)</sup>.

## شب تا دیر بیدار بودن

برادران عزیز اسلامی! در مجالس نعت خوانی محفل‌های ذکر و فکر و نیز اجتماعات مملو از سنن نبوی بعد از بیداری زیاد در شب اگر به سبب خواب اندیشه قضا شدن نماز فجر بود پس به نیت اعتکاف در مسجد قیام کند یا در جای بخواهد که کسی برای بیداری اش موجود باشد یا ساعت زنگدار موجود باشد که از سبب آن بیدار گردد مگر به یک عدد ساعت اعتماد نگردد که در آن امکان خرابی هم می‌باشد اگر دو یا حسب ضرورت بیشتر وجود داشته باشد بهتر است فقهای کرام رحمهم الله می‌فرمایند: وقتی که اندیشه قضا شدن نماز صبح باشد پس بلاضرورت شرعی بیداری زیاد شب ممنوع است<sup>(۲)</sup>.

## تعریف اداء قضاء و واجب الاعاده

چیزی که اجرای آن بر بندگان حکم است انجام دادن آن بوقتش اداء گفته می‌شود و بعد از وقت معینه اش انجام دادن قضاء است و اگر در بجا آوردن آن حکم خللی وارد گردد پس برای جبران آن عمل را دوباره انجام دادن اعاده گفته می‌شود، در وقت اصلی اگر تحریمه گفته شد پس نماز قضاء نشده بلکه اداء گردید<sup>(۳)</sup>، مگر در نماز فجر، جمعه و عیدن در حین وقت سلام دادن لازمی است ورنه نماز نمی‌شود<sup>(۴)</sup>، بلا عذر شرعی قضاء کردن نماز گناه بزرگی است،

(۱) بهار شریعت، حصه ۴، ص ۴۲.

(۲) رد المحتار، ج ۲، ص ۲۷.

(۳) درمختار مع رد المحتار، ج ۲، ص ۶۲۸.

(۴) بهار شریعت، حصه ۴، ص ۴۲.

برقضاء کننده فرض است که قضاء آن را خوانده و قلباً توبه هم بکند. از توبه یا حج مقبول ان شاء الله گناه تاخیر کردن بخشیده می شود<sup>(۱)</sup>، البته توبه وقتی درست خواهد بود که قضاء را بخواند، بدون ادای آن توبه کردن درست نبوده و نمازی که ادا نگردیده هنوز باقی است و تاوقتی که از گناه دست برنداشته، پس توبه چگونه قبول خواهد شد<sup>(۲)</sup>.

از حضرت سیدنا ابن عباس رضی الله تعالی عنه روایت است که تاجدار رسالت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم ارشاد فرمودند: توبه کننده که از گناه دست بردار نیست مثل آن است که با خدایش شوخی می کند<sup>(۳)</sup>، “العیاذ بالله”.

## **توبه را سه رکن است**

صدرالافاضل حضرت علامه سید محمد نعیم الدین مراد آبادی رحمه الله تعالی علیه می فرمایند: توبه را سه رکن است:

(۱) اعتراف جرم (۲) ندامت (۳) عزم ترک.

اگر گناه قابل تلافی است پس تلافی آن هم لازمی است مثلاً برای توبه تارک الصلاة قضاء خواندن نمازها هم لازم است<sup>(۴)</sup>.

## **خوابیده را برای نماز بیدار کردن واجب است**

شخصی خوابیده است، یا نماز را فراموش کرده است، پس کسی را که معلوم است بر او واجب است که خوابیده را بیدار کند و فراموش کننده را بیدار

(۱) درمختار مع رد المحتار، ج ۲، ص ۶۲۶.

(۲) درمختار مع رد المحتار، ج ۲، ص ۶۲۸.

(۳) شعب الایمان، ج ۵، ص ۴۳۶، شماره حدیث ۷۱۷۸.

(۴) خزائن العرفان، ص ۱۲.

بیاورد<sup>(۱)</sup>، (ورنه گناهگار خواهد شد). بخاطر باید داشت که بیدار کردن یا بیدار انداختن وقتی واجب می باشد که ظن غالب است که آن شخص نماز را می خواند (ورنه واجب نخواهد بود).

## وقت نماز فجر است بیدار شوید

برادران عزیز اسلامی! خوب صدای مدینه را بلند کنید یعنی کسانی را که خوابیده اند بیدار کنید و ثواب زیادی کسب نمائید در ماحول مدنی دعوت اسلامی بیدار کردن مسلمانان را برای نماز فجر صدای مدینه می گویند، صدای مدینه واجب نیست مگر بیدار کردن برای نماز فجر کار ثواب است که انجام دادن آن بر هر مسلمان حسب موقع لازم است موقع انجام دادن “صدای مدینه” احتیاط ضروری است که برمسلمانی مزاحمت ایجاد نگردد.

## حکایت

یک برادر اسلامی بمن گفته بود: ما چند برادر اسلامی توسط بلند گو وقت فجر صدای مدینه را جاری کرده بودیم، در کوچه ای رد می شدیم، شخصی ناراحت شده گفت: بچه کوچکم شب نخوابیده بود، همین الان چشم هایش را بست، بلندگو را خاموش کنید. ما خشمگین شدیم وگفتیم که: این چگونه مسلمانی است، ما برای نماز بیدار می کنیم و او از این کار نیک جلوگیری می کند! خیر روز دوم ما دوباره “صدای مدینه” را شروع کردیم از طرف دیگر کوچه می خواستیم برویم دیدیم کنار کوچه همان شخص دیروزی غمزده ایستاده بود بازهم گفت: بچه ام تمام شب را نخوابید همین الان چشم ها را



بسته به همین خاطر من اینجا ایستاده ام تا از شما درخواست نمایم که از کوچه ما به ساکتی رد شوید، پس از این معلوم شد که بعد از این بدون بلند گو “صدای مدینه” جاری گردد و نیز با وجود عدم بلند گو بازهم به آواز بلند صدا نزنید که از آن در خانه ها خواهران اسلامی، اشخاص ضعیف، مریض ها بچه ها و کسانی را که در نماز و تلاوت مشغولند مزاحمت ایجاد شود یا کسانی که در اول وقت نماز خوانده خوابیده اند در خوابشان خلل افتد. و اگر هر مسلمانی نزدیک خانه اش از “صدای مدینه” جلوگیری نماید پس بجای این که ناراحت شوید با نرمی از وی معذرت خواهی کنید و با او حسن ظن داشته باشید که یقیناً هیچ مسلمانی بایدار کردن برای نماز مخالفت نخواهد کرد، البته این بیچاره را مشکلی در پیش خواهد بود، اگر بالفرض بی نمازی هم باشد پس شما را مجاز نیست که با جدیت بر خورد نمائید. بلی! در یک وقت مناسب دیگری با نرمی بذریعه کوشش انفرادی او را برای نماز آماده خواهید کرد.

در مساجد هم باستثنای اذان فجر و غیره بی موقع در محل ها، منازل، محافل و غیره حتی در خانه های خود در موقع استفاده از بلند گوها، عبادت کنندگان مریض ها، بچه های شیرخوار و کسانی را که در خواب اند در نظر باید داشت تا مبادا کسی مورد اذیت و آزار قرار گیرد.

## **حکایت احساس کردن حقوق عامه**

توجه دادن به حقوق دیگران “عامه” خیلی ضروری است، اسلاف ما به این امر نهایت توجه را داشته اند چنانچه حجة الاسلام امام محمد غزالی رحمه الله تعالی علیه می فرمایند: در خدمت حضرت سیدنا امام احمد بن حنبل رحمه الله تعالی علیه شخصی چندین سال حاضر بوده و علم حاصل می کرد یکروز حینی که آمد

حضرت امام رحمة الله تعالى عليه از او رویش را گرداند او با اصرار استفسار کرد تا علت را بداند، امام در جواب فرمود: در کنار جاده پهلوی دیوار خانه ات برابر قد آدم گل درست کرده آید و راه مسلمانان را مسدود ساخته آید پس من چگونه از تو راضی باشم! <sup>(۱)</sup>، اینجاست که عبوت باید گرفت که بیرون از منازل شان راه مسلمانان را تنگ کرده دیوار و محوطه می سازند.

## قضاء را زود تر انجام دهید

برکسی که نمازها را قضاء کرده زود تر خواندن آن واجب است، مگر بخاطر پرورش بچه ها و فراهمی ضروریات تاخیر جائز است؛ لهذا به کاروبار هم مصروف بوده با فرصت وقت می تواند نماز قضاء شده را هم بخواند تا جای که تکمیل گردد <sup>(۲)</sup>.

## قضاء خاموشانه خوانده شود

نماز قضاء شده راه خاموشانه بخوانید بمردم یا اعضای خانواده بلکه به نزدیک ترین دوست هم اظهار نگردد (مثلاً این گفته نشود که این قضای نماز فجر امروز هست یا قضای عمری را می خوانم)؛ زیرا که اظهار گناه هم مکروه تحریمی و گناه است <sup>(۳)</sup>؛ لهذا اگر در محضر عام قضای وتر خوانده می شود پس برای تکبیر قنوت دست بالا نشود.

---

(۱) احیاء العلوم، ج ۵، ص ۹۶.

(۲) درمختار مع رد المحتار، ج ۲، ص ۶۴۶.

(۳) رد المحتار، ج ۲، ص ۶۵۰.

## انجام دادن قضای عمری در جمعه الوداع

در آخرین جمعه رمضان المبارک بعضی اشخاص باجماعت قضای عمری را می خوانند و فکر می کنند که قضائی های تمام عمر در این یک نماز اداء می گردند، این باطل محض است<sup>(۱)</sup>، مفسر شهیر حکیم الامت حضرت مفتی احمد یار خان رحمۃ اللہ تعالیٰ علیہ می فرمایند: بین ظهر و عصر جمعة الوداع ۱۲ رکعت نفل دو دو رکعت نیت کرده بخواند و در هر رکعت بعد از سورة فاتحه یکبار آیه الكرسي، سه بار قل هو الله احد و یکبار سورة الفلق و سورة الناس را بخواند فائده اش این است که هر قدر نمازهایی که قضاء کرده می خواند گناه قضاء کردن آنها ان شاء الله عزوجل معاف می گردد، نه این که نمازهای قضاء شده آن معاف می گردند آنها با خواندن اداء خواهند شد<sup>(۲)</sup>.

## حساب کردن قضاء عمری

کسی که نماز نخوانده بود و اکنون فرصت یافته و میخواهد قضای عمری بخواند، او از وقتیکه بالغ گردیده حساب نمازهایش را در نظر گیرد و اگر تاریخ بلوغ هم معلوم نیست پس احتیاط در این است که زن از سن ۹ سالگی و مرد از ۱۲ سالگی حساب نمازها را تخمین بزند<sup>(۳)</sup>.

## ترتیب در قضاء کردن

در قضای عمری می تواند که اول تمام نمازهای فجر را بعد تمام نماز ظهر به همین ترتیب عصر، مغرب و عشاء را انجام دهد<sup>(۴)</sup>.

(۱) ماخوذ از شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیه، ج ۷، ص ۱۱۰.

(۲) اسلامی زندگی، ص ۱۰۵.

(۳) ماخوذ از فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۵۴.

(۴) فتاوی قاضی خان مع عالمگیری، ج ۱، ص ۱۰۹.

## طریقه قضای عمری

قضائی هر روز بیست رکعت خوانده می باشد، دو رکعت فرض فجر، چهار رکعت ظهر، چهار رکعت عصر، سه رکعت مغرب و چهار رکعت عشاء و سه رکعت وتر، نیت بدین ترتیب کرده شود مثلاً “اول از همه فجری که از من قضاء گردیده آنرا اداء میکنم” هر نماز را همینطور نیت نماید بر کسی که بکثرت قضائی هست پس او برای آسانی اگر این گونه اداء نماید جائز است که در هر رکوع و هر سجده بجای سه بار سبحان ربی العظیم، سبحان ربی الاعلی یکبار بگوید مگر همیشه و در هر نمازی بخاطر باید داشت که وقتی کاملاً در رکوع برسد آنگاه سین سبحان را شروع کند و وقتی که میم عظیم تکمیل شد بعد از رکوع سر را بلند کند، در سجده هم همین روش را انجام دهد، یک تخفیف همین بود و تخفیف دوم این که در رکعت سوم و چهارم فرض ها بجای الحمد لله فقط سه بار “سبحان الله” گفته رکوع کند، مگر در هر سه رکعات وتر الحمد شریف و سوره دیگر هر دو خوانده شوند، تخفیف سوم این که در قعدة اخیره بعد از تشهد بجای درودها و دعا فقط اللهم صلّ علی محمد وآله گفته سلام دهد، تخفیف چهارم این که در رکعت سوم وتر بجای دعای قنوت الله اکبر گفته فقط یکبار یا سه بار رب اغفر لی بگوید<sup>(۱)</sup>.

## قضای نماز قصر

اگر نماز قضای سفر را در حالت اقامت می خواند باید قصر بخواند و قضای نماز اقامت را در حالت سفر باید مکمل بخواند یعنی قصر نباید کرد<sup>(۲)</sup>.

(۱) ملخص از فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۵۷.

(۲) رد المحتار، ج ۲، ص ۶۵۰.

## نماز های موقع ارتداد

اگر شخصی معاذ الله مرتد شد و بعد اسلام آورد پس نمازهای زمان ارتداد قضاء نمی شوند و قبل از ارتداد نمازهایی که در اسلام قضاء شده اند قضای آنها واجب است<sup>(۱)</sup>.

## نماز وقت تولد بچه

اگر دایه (Mid Wife) نماز می خواند و اندیشه مردن بچه است، پس نماز را قضاء کند که این عذر شرعی است<sup>(۲)</sup>، سر بچه بیرون آمده و وقت نماز قبل از نفاس تمام می شود پس درین حالت هم بر مادرش فرض است اگر نمی خواند پس گناهگار می شود<sup>(۳)</sup>، سر بچه را در ظرفی بگذارد تا ضرری بر آن نرسد بعد نماز را بخواند اگر در چنین ترکیبی خواندن نماز هم اندیشه مردن بچه بود پس تاخیر جایز است، بعد از نفاس قضای این نماز را بخواند<sup>(۴)</sup>.

## مریض راجه وقت نماز معاف است

چنان مریضی که با اشاره هم نماز خوانده نمی تواند اگر این حالت شش وقت نماز را مکمل در بگیرد پس نمازهای که در این حالت فوت کردند قضای آنها واجب نیست<sup>(۵)</sup>.

---

(۱) رد المحتار، ج ۲، ص ۵۳۷.

(۲) رد المحتار، ج ۲، ص ۵۱۹.

(۳) رد المحتار، ج ۲، ص ۵۶۵.

(۴) رد المحتار، ج ۲، ص ۵۱۹.

(۵) رد المحتار، ج ۲، ص ۵۷۰.

## نماز های تمام عمر را دوباره خواندن

کسی که در نمازهایش نقصان و کراهت بوده پس او نمازهای تمام عمر را اگر دوباره بخواند بهتر است و اگر هیچ علتی نبود پس لازم نیست و اگر می خواند بعد نماز فجر و عصر نباشد، و تمام رکعت ها پرخوانده شوند، و در وتر قنوت را خوانده بعد از رکعت سوم قعه کرده بعد یک رکعت دیگر هم بخواند چهار گردند<sup>(۱)</sup>.

### لفظ قضای فراموش گردید پس..؟

اعلی حضرت امام اهل سنت مولانا شاه احمد رضا خان رحمه الله تعالى علیه می فرمایند: علمای ما تصریح می فرمایند، قضاء به نیت اداء و اداء به نیت قضاء هر دو صحیح است<sup>(۲)</sup>.

### بجای نوافل قضای عمری را خواندن

نمازهای قضاء از نوافل مهم تر اند یعنی همان وقتی که نفل می خوانید بجای آن قضائی ها را بخوانید که برئی الذمه شوید، البته تراویح و ۱۲ رکعت سنت های مؤکده را ترک نکنید<sup>(۳)</sup>.

### بعد از فجر و عصر نوافل خوانده نمی توانید

بعد از نماز فجر و عصر خواندن نوافل مکروه تحریمی است وقتی که قصداً باشد، اگرچه تحیة المسجد هم باشد، و هر آن نمازی که از جهت غیر لازم باشد مثلاً نوافل نذر و طواف و هر آن نمازی که آن را شروع کرده و بعد شکسته

(۱) رد المحتار، ج ۲، ص ۱۳۸

(۲) فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۶۱.

(۳) رد المحتار، ج ۱، ص ۵۳۶.

اگرچه از سنت های فجر و عصر باشد<sup>(۱)</sup>. برای قضاء وقت معینی نیست در هر وقتی بخوانید بری الذمه می شوید، مگر در اوقات طلوع، زوال و غروب آفتاب نماز خوانده نمی توانید که درین اوقات نماز جایز نیست<sup>(۲)</sup>.

## **چهار سنت ظهر ترک گردید پس چه باید کرد**

اگر چهار فرض ظهر قبلاً خوانده شد پس بعد از ادا کردن دو سنت بعدی چهار رکعت سنت قبلی خوانده شود چنانچه اعلی حضرت رحمه الله تعالی علیه می فرمایند: چهار رکعت سنت قبل از فرض ظهر اگر خوانده نشده بود پس بعد فرض بلکه بمذهب ارجح یعنی (پسندیده ترین) بعد از دو سنت بعدیه خوانده شود، به شرطی که هنوز وقت ظهر باقی باشد<sup>(۳)</sup>.

## **اگر سنت های فجر خوانده نشد پس چه باید کرد ؟**

اگر بعد از خواندن سنت ها اندیشه فوت شدن جماعت در فجر باشد پس بدون خواندن سنت، در جماعت شامل شوید مگر بعد از سلام دادن خواندن جایز نیست، بعد از طلوع آفتاب کم از کم ۲۰ دقیقه بگذرد تا ضحوة کبری بخوانند که مستحب است<sup>(۴)</sup>.

## **آیا وقت مغرب کم می باشد ؟**

وقت نماز مغرب از غروب آفتاب تا ابتداء وقت عشاء می باشد، این وقت به اعتبار جای و تاریخ عقب و جلو می باشد مثلاً در باب المدینه کراچی مطابق

---

(۱) درمختار، ج ۱، ص ۶۱.

(۲) عالمگیری، ج ۱، ص ۱۳۴. کوئته.

(۳) ملخصاً از فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۴۸.

(۴) ماخوذ از فتاوی رضویه، ج ۷، ص ۴۲۴.

نقشه نظام الاوقات وقت مغرب کم از کم یک ساعت و ۱۸ دقیقه است فقهای کرام رحمهم الله تعالی می فرمایند: باستثنای روز ابری در مغرب همیشه تعجیل مستحب است و تاخیر کردن بیش از دو رکعت مکروه تنزیهی و بدون عذر سفر ومرض وغیره آنقدر تاخیر کردن که ستاره ها ظاهر گردند مکروه تحریمی است<sup>(۱)</sup>، اعلی حضرت امام اهل سنت مولانا شاه احمد رضا خان رحمۃ الله تعالی علیه می فرمایند: وقت مستحب مغرب تا زمانی است که ستاره ها خوب ظاهر نشوند این قدر دیر کردن که علاوه از ستارگان بزرگ ستاره های کوچک هم ظاهر گردند مکروه تحریمی است<sup>(۲)</sup>، قبل از عصر و عشاء رکعتی که خوانده می شوند سنت غیر مؤکده بوده قضائی ندارند.

## قضای تراویح را چه حکمی است ؟

وقتیکه تراویح فوت گردید قضائی ندارد نه باجماعت ونه تنها، و اگر کسی قضا هم میخواند پس این نفل جداگانه است با تراویح هیچ ارتباطی ندارد<sup>(۳)</sup>.

## فدیة نماز

کسی که بستگانش فوت شده اند این مضمون را حتماً مطالعه فرمایند،  
 عمر میّت را معلوم کرده از آن ۹ سال برای نابالغی زن و ۱۲ سال برای نابالغی مرد کم کند، باقی هر مقداری که مانده است آن را بحساب آورده معلوم نماید که مرحوم تا چه مدتی بی نماز بوده یا بی روزه بوده و یا چقدر نماز و روزه قضا بر ذمه اش مانده بیشترین اندازه آن را حساب نماید بلکه اگر بخواهد بعد از عمر نابالغی حساب تمام عمر را در نظر گرفته و برای هر نماز یک صدقه

(۱) درمختار، ج ۱، ص ۲۴۶، عالمگیری، ج ۱، ص ۴۸.

(۲) فتاوی رضویه، ج ۵، ص ۱۵۳.

(۳) ملخصاً درمختار، ج ۱، ص ۶۱.



فطر خیرات داده شود، مقدار یک صدقه فطر تقریباً دو کیلو و پنجاه گرم گندم یا آرد آن یا قیمت آن است و در یک روز شش نماز می باشد پنج وقت فرض و یک وتر واجب مثلاً قیمت دو کیلو و پنجاه گرم گندم ۱۲ روپیه باشد پس نمازهای یکروز ۷۲ روپیه بوده، ۳۰ روز ۲۱۶۰ روپیه، و ۱۲ ماه تقریباً ۲۵۹۲۰ روپیه گردید، اکنون بر میتی که نمازهای ۵۰ سال باقی است پس برای ادا کردن فدیة ۱۲۹۶۰۰۰ روپیه خیرات داده شود، بدهی است که هر شخص استطاعت صدقة مبلغ فوق را نخواهد داشت بناءً علمای کرام رحمهم الله تعالی حيلة شرعی این مسئله را ارشاد فرموده اند مثلاً به نیت فدیة تمام نمازهای همان ۳۰ روز (۲۱۶۰) روپیه را در ملکیت یک فقیری قرار دهد، پس فدیة ۳۰ روز اداء گردید. اکنون همان فقیر مبلغ متذکره را هبه نماید “یعنی بطور تحفه بدهد” بعد از قبضه کردن دوباره به نیت فدیة نمازهای ۳۰ روز در قبضة فقیر در آورده مالک آن سازد، بهمین ترتیب رد و بدل کردن را ادامه داده تا که فدیة همه نمازها اداء گردد<sup>(۱)</sup>. حيلة ساختن فدیة ۳۰ روز شرط نیست این یک مثال برای متوجه کردن بود، اگر بالفرض مبلغ فدیة ۵۰ سال موجود باشد پس در جا بجا کردن یکبار کار انجام می گردد همچنان حساب مبلغ فطره هم از روی قیمت موجوده گندم اداء می شود به همین ترتیب در هر روزه هم یک صدقة فطر است<sup>(۲)</sup>، بعد از ادای فدیة نمازها فدیة روزه ها نیز بدین طریق اداء می گردد حيلة فدیة را فقیر و امیر همه کرده می توانند. اگر وراثت برای مرحومین خود همین عمل را انجام دهند پس برای میت کمکی بزرگی خواهد بود، بدین وسیله مرده هم از بار سنگین فرض رهایی خواهد یافت و وراثت مستحق اجر و ثواب خواهند شد،

(۱) ماخوذ از فتاوی بزازیة مع عالمگیری، ج ۴، ص ۶۹.

(۲) درمختار مع رد المحتار، ج ۲، ص ۶۴۴.

بعض اشخاص به مسجد وغیره یک نسخه قرآن پاک هدیه کرده مطمئن می شوند که ما فدیة تمام نمازهای مرحوم را اداء نمودیم این غلط فهمی و اشتباه آنها است<sup>(۱)</sup>.

## یک مسئله فدیة مرحومه

اگر عادت حیض زن معلوم بود پس به همان تعداد روز و اگر معلوم نبود پس سه روز از هر ماه از عمر ۹ سال مستثنی کنید مگر هر چند بار که در حمل بوده از ماه های مدت حمل ایام حیض را استثناء نکنید، عادت زن درباره نفاس اگر معلوم بود پس بعد از هر حمل همان تعداد روز را مستثنی کنید و اگر معلوم نبود پس چیزی نیست؛ زیرا که برای نفاس در حد اقل (کم از کم) شرعاً هیچ معین نگردیده، ممکن است بعد از یک دقیقه فوراً پاک گردد<sup>(۲)</sup>.

## حیلة<sup>۱۰۰</sup> تازیانه

برادران عزیز اسلامی! حیلة فدیة نماز را من از طرف خود تحریر نکرده ام بلکه جواز حیلة شرعی در قرآن و حدیث و کتب معتبره فقه حنفی موجود هست چنانچه در زمان مریضی حضرت ایوب علیه الصلوة والسلام زوجة محترمه اش باری در خدمتش بتاخیر حاضر شد، آن حضرت قسم یاد کردند که هنگامی که تندرست شوم ترا صد<sup>۱۰۰</sup> تازیانه خواهم زد، حین صحتیاب شدنش الله عزوجل حکم زدن با تارهای جارو بر آن حضرت علیه الصلوة والسلام ارشاد فرمودند چنان چه در قرآن مجید است:

(۱) مزید در فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۶۸.

(۲) ماخوذ از فتاوی رضویه، ج ۸، ص ۱۵۴.

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ  
وَلَا تَحْنُتْ [ص: ۴۴]

ترجمه کنزالایمان: در دست خود یک  
جارو بگیر با آن بزن و قسم را مشکن.

در عالمگیری یک باب مستقل حيلة ها بنام "كتاب الحيل" است چنانچه  
در "كتاب الحيل عالمگیری" است که حيله ای که حق کسی را ضایع نماید یا  
در آن شبهه پیدا کند یا از راه باطل برای فریب دادن انجام داده شود مکروه است،  
و اگر حيله برای نجات از حرام و حاصل کردن حلال انجام داده شود خوب  
است. دلیل جائز بودن حيلة این قسم این ارشاد خداوندیست ﴿وَخُذْ بِيَدِكَ ضِعْفًا  
فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ﴾ [ص: ۴۴]، ترجمه: در دست مبارکت یک جارو گرفته  
بوسیله آن بزن و قسم را مشکن<sup>(۱)</sup>.

## سورخ کردن گوش از چه زمانی رایج شد

برای جواز حيله یک دلیل دیگری را ملاحظه فرمائید چنانچه از حضرت  
عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه روایت است که یکبار بین حضرت ساره و  
حضرت هاجرہ رضی الله تعالی عنها ناراحتی بوجود آمد پس حضرت ساره  
رضی الله تعالی عنها قسم یاد کرد که اگر دسترسی پیدا کنم یک عضو هاجرہ را قطع  
خواهم کرد. الله عزوجل حضرت جبرئیل علیه السلام را به خدمت حضرت  
ابراهیم علیه الصلوة والسلام فرستاد که آنها را صلح دهد حضرت ساره رضی الله  
تعالی عنها عرض کرد: "مَا حِيْلَةٌ يَمِينِي" یعنی بر قسم چه حيله خواهد بود، پس بر  
حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام وحی نازل شد که بر ساره رضی الله تعالی عنها

(۱) فتاوی عالمگیری، ج ۶، ص ۳۹۰.

حکم کن تا گوش هاجره را سوراخ کند از همان زمان سوراخ کردن گوش زنان رواج گردید<sup>(۱)</sup>.

## تحفه گوشت گاو

از ام المؤمنین حضرت سیدتنا عایشه صدیقه رضی الله تعالی عنها روایت است که مقداری گوشت گاو خدمت سید الکونین صلی الله تعالی علیه وآله وسلم حاضر کرده شد شخصی عرض کرد: این گوشت بر حضرت سیدتنا بریره رضی الله تعالی عنها صدقه شده بود فرمودند: «هو لها صدقه ولنا هدیة» یعنی این برای بریره صدقه بود و برای ما هدیه است<sup>(۲)</sup>.

## حیله شرعی زکات

از این حدیث شریف ظاهر است که حضرت بریره رضی الله تعالی عنها مستحق صدقه بوده گوشت گاوی که بطور صدقه او را رسیده بود اگرچه در حق او صدقه هم بود مگر بعد از قبضه کردن در ملکیت او درآمد، وقتی که در بارگاه رسالت تقدیم شد حکم آن تبدیل گردیده بود و اکنون گوشت مذکوره صدقه نیست، همچنان هر شخص مستحق زکاة را بعد از قبضه در آوردن خود هر کسی دیگر را بطور تحفه داده می تواند یا برای مسجد وغیره نیز اهداء کرده می تواند که توسط شخص مستحق مذکوره تقدیم شدن اکنون زکاة نبوده بلکه هدیه یا عطیه گردیده است، فقهای کرام رحمهم الله طریقه حیله شرعی زکاة را چنین ارشاد فرموده اند پول زکاة را در تجهیز و تکفین مرده یا تعمیر مسجد مصرف کرده نمی توانید؛ زیرا که در تملیک فقیر در نیامده است اگر در آن امور می

(۱) غمز العیون البصائر شرح الاشباه والنظائر، ج ۳، ص ۲۹۵.

(۲) صحیح مسلم، کتاب الزکاة باب إباحة الهدیة ص ۵۴۱. شماره حدیث ۱۰۷۵-۱۰۷۶.

خواهید خرج کنید پس طریقه اش این است که فقیری را مالک زکاة کرده بعد او در تعمیر مسجد وغیره مصرف نماید بدین وسیله هر دو را ثواب می رسد<sup>(۱)</sup>.

## ۱۰۰ نفر را ثواب مساوی می رسد

برادران عزیز اسلامی! چنانچه ملاحظه فرمودید که بوسیله حیلة شرعی پول زکاة برای تکفین و تدفین حتی در تعمیر مسجد نیز استفاده شده می تواند؛ چرا که در حق فقیر زکاة بود وقتی که فقیر قبضه نمود اکنون او مالک گردید هر چه بخواهد میتواند کرد، از برکت حیلة شرعی زکاة دهنده هم اداء گردید و فقیر هم به مسجد داده مستحق ثواب گردید، و این هم جایز است که فقیر شرعی را مسئله حیله فهمانده شود.

اگر ممکن باشد پول بین چندین نفر رد و بدل گردد بهتر است تا که همه را ثواب برسد مثلاً برای حیله فقیر شرعی را دو میلیون تومان زکاة داده شد بعد از قبضه او یک برادر اسلامی را تحفه داد او هم در قبضه گرفته بعد دیگری را مالک ساخت همچنین همه یک دیگر را مالک می گردانند تا که آخرین نفر برای مسجد و یا کار دیگری که حیله ساخته شده بود صرف نمود ان شاء الله همه را ثواب صدقه دو میلیون میرسد، چنانچه از حضرت ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت است که تاجدار رسالت صلی الله تعالی علیه وآله وسلم فرمودند: اگر صدقه در صد دست بچرخد پس همه را ثواب همان شخصی می رسد که پول را داده است و در اجرش کمی هم نمی شود<sup>(۲)</sup>.

---

(۱) رد المحتار، ج ۳، ص ۳۴۳.

(۲) تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۱۳۵.

## تعریف فقیر

(الف) فقیر آن کسی است که نزدش چیزی بوده مگر این قدر نیست که به نصاب برسد،

(ب) یا بقدر نصاب هم بوده مگر در حاجت اصلیه اش یعنی (در ضروریات زندگی) مصروف است مثلاً خانه مسکونی، وسایل خانه داری، حیوان سواری یا موتور سایکل، ابزار و لباس کارگران، خدمه، کتابهای اسلامی برای ضرورت شغل علمی که از حاجتش بیشتر نباشند.

(ج) بهمین ترتیب اگر مقروض است و بعد از ادای قرض (دین) نصاب باقی نماند پس فقیر است اگرچه نزدش یکی نه بلکه چندین نصاب هم موجود باشد<sup>(۱)</sup>.

## تعریف مسکین

مسکین کسی است که نزدش چیزی نباشد حتی که برای خوراک و پوشاک هم محتاج است و اگر سوال کند برایش حلال است، فقیر را (یعنی کسی که نزدش به اندازه یکروز غذا موجود باشد و ضرورت پوشاک را هم داشته باشد) بدون ضرورت و مجبوری سوال کردن حرام است و چنین سوال کنندگان را دادن هم ناجایز است و دهنده هم گناهگار می شود<sup>(۲)</sup>.

برادران عزیز اسلامی! معلوم گردید که اگر کسی باوجود توانائی از راه گدائی بلاضرورت و مجبوری بطور پیشه سوال می کند گناهگار است و کسانی که باوجود شناخت کامل این اشخاص بازهم آنها را پول وغیره اشیاء می دهند پس علاوه برآنکه خیرات و صدقات شان در باد فنا میرود خودهم گناهگار می شوند.

---

(۱) رد المحتار، ج ۳، ص ۳۳۳.

(۲) فتاوی عالمگیری، ج ۱، ص ۱۸۸.

## سوال و جواب در مورد حیلۀ زکات

س : حیلۀ زکات چگونه شده می تواند؟

ج : یک فقیر شرعی یا وکیلش مالک مال زکات قرار داده شود او بعد از قبول کردن زکات، این مال را می تواند در هر کاری مثلاً تعمیر مسجد و غیره مصرف نماید، در این صورت باوجود اداء شدن زکات مستحق هر دو ثواب خواهد شد، ان شاء الله.

س : شما ارشاد فرمودید، فقیر شرعی یا وکیل آن، در اینجا مراد از وکیل چیست؟

ج : مراد از این شخصی است که او را فقیر شرعی برای وصول زکات خود اجازه داده یا خود آن شخص از او اجازه گرفته است.

س : آیا وکیل هم بعد از قبض نمودن مال زکات اختیار مصرف آنرا در هر کاری دارد؟

ج : خیر! البته اگر فقیر او را اجازه داده باشد یا او خودش اجازه خواسته باشد پس آن را مصرف کرده می تواند.

س : فقیر شرعی وکیلش را اجازه مصرف زکات خود در هر کاری داده بود یا او خودش اجازه خواسته بود، پس آیا در این صورت هم فقیر را قبض کردن مال زکات ضروری است؟

ج : نه خیر؛ زیرا که قبضه کردن وکیل، قبضه مؤکل (یعنی وکیل کننده) نیز گفته می شود.

س : وقت چنده دادن یا مبلغ را برگردادن برای کار دینی یا سیاسی الفاظ محتاط اختیار کلی را بگوئید؟

ج : مثلاً دعوت اسلامی را چنده داده شود یا در حيلة وقت مبلغ برگشتی دهنده اینطور بگوید: دعوت اسلامی این مبلغ را در جای که مناسب داند آنجا در کار نیک و جایز مصرف نماید.

س : فقیر شرعی وکیل خود را زکات داده برای مصرف کردن کارهای مدنی دعوت اسلامی اختیارات کلی چگونه بدهد؟

ج : وکیل را گفتن الفاظ محتاط این است “شما برای من هر مقدار زکاتی را که وصول نمائید آن را به دعوت اسلامی (یا فلان فرد یا اداره) گفته بدهد. که این مبلغ را به دعوت اسلامی (یا فلان فرد یا اداره) طوری که مناسب داند در کار نیک و جایز مصرف کنید.

س : در وقت وصول کردن چنده گفتن الفاظ محتاط را هم بگوئید؟

ج : در زکات، فطریه، صدقات واجبه حاجت گرفتن اختیارات کلی نمی باشد؛ چرا که این یک مستحقی را هم مالک ساختن شرط است، مردم اگرچه زکات وغیره را به دعوت اسلامی می دهند، مگر آنها در حقیقت اعضای دعوت اسلامی را وکیل زکات و فطریه خود ساختن اند؛ لهذا در دعوت اسلامی حيلة شرعی این چه خواهد بود که طریقه آن و الفاظ محتاط بیان گردید، علاوه از صدقات واجبه چنده ایکه داده می شود صدقة نفلی گفته می شود، چنانچه این گونه چنده نیز وقت گرفتن پوست قربانی الفاظ محتاط این است “اگر اجازه بدهید که چنده یا پوست های شما را فروخته مبلغ آنرا دعوت اسلامی در جای که مناسب داند در آن کار نیک و جایز مصرف نماید. دهنده بلی بگوید یا به هر نحوی بر گفته آن متفق گردد پس بهتر خواهد بود ورنه چنده بدست آمده یا پول این پوست مطابق طریق کار معروف دعوت اسلامی خرج خواهد شد، اگر در کار نیک دیگری مصرف



گردید پس خسارت دادن لازم می‌گردد یعنی هر چه مصرف گردیده از اوّل برگشت خواهد شد، بهتر این است که جمله مذکوره در رسید تحریر گردد و مقدار چنده یا پوست که داده شده آن را خوانده یا شنونده شود.

س : خسارت چگونه ادا می‌گردد؟

ج : کسی که پوست یا پول وغیره داده به او داده شود یا به اجازه اش مصرف گردد.

س : اینگونه پس بسیار مشکل خواهد بود؛ چرا که معلوم کردن آدرس چنده دهندگان وغیره اکثر دشوار می‌باشد. راه حل آسان تر نشان دهید؟

ج : در صورت عدم آدرس همان مبلغی که در کار خسارت ادا می‌شود آن را در کارهای مصرف نماید که در مورد آن چنده دهنده گفته بود. مثلاً چنده برای مسجد گرفته و آن را در مدرسه خرج نموده پس اکنون همین قدر از طرف خود در مسجد خرج کند.

س : اگر کسی خاص بنام مدرسه چنده داد پس آیا در دیگری کارهای مدنی دعوت اسلامی مصرف کرده می‌تواند؟

ج : نمی‌تواند. اگر کرده باشد باید خسارت بدهد؛ چرا که مسئله شرعی این است که برای کاری که چنده گرفته در آن باید مصرف گردد حتی که اگر باقی مانده پس کسی که داده دوباره به آن برگرداند یا به اجازه او مصرف نماید.

س : بعلت معلوم نبودن مسئله اگر کسی زکات یا فطره را بدون حيلة شرعی در مصرف غیر فطره و زکات استفاده کرده بود پس طریقه توبه او چیست؟

ج : در اینجا جهالت عذر نیست. او چرا نیاموخت! اگر بالفرض کسی زکات یا فطره را بدون حيلة شرعی در مصرف غیر زکات و فطره مخلوط کرده، پس

با انجام دادن توبه خسارت هم بر آن لازم می آید. مثلاً کسی دعوت اسلامی را زکات داد و مسؤل آن را بدون حيله کردن تعمیر مسجد یا مُزد مدرس یا در دیگر کارهای خیریه مصرف کرده پس از طرف آن مطابق طریقه کار مذکوره خسارت پر داخته شود اگرچه آن مبلغ صدها هزار یا میلیون ها باشد، برای این فقط توبه کافی نیست.

س : کسی که صدها هزار زکات را بدون حيله در غیر مصرفی صرف کرده بود و اکنون مسئله معلوم گردید، اُمّا برای جبران آن چیزی در دست نبود پس چه باید کرد؟

ج : اگر این شخص اکنون فقیر شرعی است پس بر او همان اندازه خسارت شده زکات داده او را مالک گرداند، اکنون زکات هر کسی را که او اشتباهاً مصرف کرده بود مطابق طریقه کار مذکوره جبران خسارت نماید.

س : اگر سیدی مثلاً صد هزار تومان زکات زید را در جای غیر از مصرفش استفاده کرد پس اکنون زکاتی را که بطور چنده رسیده باشد به ملکیت یک فقیر شرعی در آورد فقیر شرعی بعد از قبض کردن همان مبلغ را به سید نذر نماید. حال سید بعد از قبض کردن آن را در کار خسارت شده ادا نماید و توبه هم بکند.

س : دعوت اسلامی یک جنبش بزرگی است، هر فرد آن از مسائل واقف نمی باشد حل این مسئله چگونه است؟

ج : کسی که زکات بر آن فرض گردید این هم بر او فرض است که مسائل ضروری زکات را بیاموزد، بهمین ترتیب بر چنده گیرنده هم این فرض است که مسائل ضروری این را بیاموزد، هر مسؤل کسی را که اجازه جمع آوری چنده یا پوست های قربانی می دهد باید تربیت او را هم بنماید.

س : آیا در وقت حيله کردن فقير شرعى را گفته مى توانيم که دوباره بدهيد در زدت مگذار وغيره؟

ج : نگويد، بالفرض اگر چنين هم گفت بازهم در اداى زکات و حيله اشکالى بوجود نمى آيد؛ چرا که در دادن زکات، صدقات و هديه چنين الفاظ شرطيه فاسد است. حضرت امام اهل سنت، مجدّد دين ملت مولانا شاه احمد رضا خان بحواله فتاوى شامى مى فرمايند: هبه و صدقه از شرط فاسد فاسد نمى گردند<sup>(۱)</sup>.

س : جناب عالى! اگر براى حيله کردن به فقير شرعى زکات داده شود و او گرفته در نزدش بگذارد، آيا اکنون از او براى کارها خيريه جبراً گرفته نمى توانيم؟

ج : گرفته نمى توانيد؛ چراکه اکنون او مالک گرديده و او اختيار مالش را دارد<sup>(۲)</sup>.

س : بدین ترتيب پس چگونه حيله کرده شود؟ اگر يک فقير شرعى صدها هزار زکات را ذخيره کرد پس لطفاً يک طريقه مدنى اين را ارشاد فرمائيد؟

ج : بهترين طريقه آن بيان مى گردد، آقايم اعلى حضرت رحمة الله تعالى عليه ارشاد مى فرمايند: طريقه بهتر آن اين است که مثلاً از مال زکات صد تومان براى نذر سيّد يا در مسجد مى خواهيد مصرف کنيد، يک فقير عاقل و بالغ را از مصرف زکات چيز لباس مثلاً کلاه و خوراکی مثلاً يکسیر يا بيستر گندم نشان دهيد که اين چيزها را بشما مى دهم مگر مفت نخواهم داد بمبلغ صد تومان مى فروشم و اين مبلغ را از طرف خودم بشما مى دهم که براى

---

(۱) فتاوى رضويه، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

(۲) همان مرجع.

مقاصدم دوباره بمن بدهید او حتماً راضی خواهد شد، می داند که این چیزها یعنی لباس یا غله مفت بدستم می آید، اکنون بیع شرعی کرده صد تومان به نیت زکات به او بدهید، وقتی که قابض شد، ثمن مطالبه خود را (یعنی اکنون قیمتی را که وقت خرید و فروخت طی شده بود از فقیر (در مطالبه خود) بگیرید، اول این که او خودش می دهد که در ابتداء او را امید رسیدن این پول نبود که از گره بیرون برود، او را فقط امید لباس یا غله بود پس انکار نمی کند؛ چرا که این چیزها او را حاصل گردیده و اگر انکار کند پس جبراً از او بگیرید که او همین قدر مدیون (مقروض) است و دائن (قرض دهنده) وقتی که از جنس دین (قرض) خود در مال مدیون یافت پس بالاتفاق بدون رضا مندی وی از او گرفته می تواند. اکنون این مبلغ را گرفته از طرف خود در نذر رسید یا بنای مسجد مصرف نماید که هر دو مراد حاصل است<sup>(۱)</sup>.

س : لطفاً طریقه بیان شده را در الفاظ آسان ارشاد فرمایند؟

ج : سعی میکنم تا از فیضان رضا<sup>(۲)</sup> عرض نمایم، زید عاقل و بالغ چنانچه فقیر شرعی است بوسیله او حيلة صد هزار تومان زکات را خواهیم ساخت مگر ترس است که این مبلغ را دوباره نمی دهد پس او را قلمی نشان داده بمبلغ صد هزار تومان فروخته بطور قرض بگذارید و او قلم را قابض گردید بناءً او صد هزار تومان مقروض شما گردید. اکنون او را مالک صد هزار تومان

(۱) فتاوی رضویه، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

(۲) مراد از رضا صاحب فتاوی رضویه شیخ الاسلام والمسلمین امام احمد رضا قادری حنفی اند رحمه الله تعالی.

زکات قرار دهید بعد از آن صد هزار تومان قرض خود را از او مطالبه کنید،  
بالفرض اگر انکار کند پس جبراً از او می توان گرفت.

س : برای حيله ساختن فقير شرعى يافت نشد پس آيا صاحب نصاب را فقير  
شرعى ساختن هم حيله موجود است.

ج : بلى طريقتى بسيار آسان موجود است، مثلاً در نزد زيد عاقل و بالغ بيش از  
حاجت اصليه اش پانصد هزار تومان موجود است؛ لهذا او صاحب نصاب  
است، او را طوري مقروض گردانيد كه صاحب نصاب نماند مثلاً از گرفتن  
شيشه عطر را بمبلغ يك ميليون تومان به او بفروشيد او بعد از گرفتن شيشه  
عطر فقير شرعى گرديد؛ چرا كه اگر او اکنون همه پول در دسترس خود را  
بدهد باز هم پانصد هزار مقروض مى گردد، حال او را يكي هر قدر زكات  
مثلاً ده ميليون هم بدهيد، بعد از قبض كردن اگر او بخواهد قرضش را هم  
ادا نمايد و باقى مانده را در بركارى مصرف نمايد. اين هم شده مى تواند كه  
مثلاً همه را براى ساختن مسجد بدهد و بعد شما بخواهيد قرض او را  
بخشيد بلكه از پول زكات قبضه شده او قرض خود را بخشيديد هم مانع نه  
دارد. زيد مذکور اگرچه پول حيله شده را مسترد کرده بود، غنى يا صاحب  
نصاب مى ماند؛ چرا كه در صورت بخشيدن يا اداى قرض در نزدش بيشتر  
از پانصد هزار قبلى اضافه از حاجت اصليه اش موجود است. اگر بوسيله  
او باز هم حيله كردن بخواهيد پس او را در حال مقروض بگذاريد يا مجدداً  
او را بطور متواتر مقروض نماييد.

س : آيا بوسيله چك حيله خواهد شد؟

ج : نه خير! زكات بوسيله چك ادا نمى شود.

س : پول زیادی را از بانک برداشته و بعد در دسترس فقیر شرعی قرار داده و بعد دوباره گرفته در بانک پس انداز نموده در این مورد مانع خواهد بود راه حل آسان ارشاد فرمائید؟

ج : فقیر شرعی بنام خود در بانک به همین مبلغ حساب باز کند که او فقیر شرعی گردد بعد هر مبلغی را که در کار زکات او را دادنی است او را گفته در حسابش جمع کرده شود، وقتی که مبلغ مذکور در حساب او ذخیره شده پس زکات ادا گردید اکنون او در هر کار خیر یا جایز کسی را اختیار مصرف کردن میتواند داد. تفصیلهش قبلاً بیان گردید.

### **از آوردن طفل در مسجد در حدیث ممانعت است**

سلطان مدینه قرار قلب و سینه صلی الله تعالی علیه وآله وسلم ارشاد می فرمایند: مساجد را از اطفال، دیوانگان، خرید و فروش، دعوا بلندی صدا و جاری ساختن حدود و از شمشیر بازی نجات دهید<sup>(۱)</sup>.

طفلی که آن خطر نجاست کردن احساس گردد و دیوانه را بداخل مسجد آوردن حرام است، اگر خطر نجاست نباشد پس مکروه است، کسانی که کفش ها را داخل مسجد می برند توجه باید داشته باشند که اگر نجاست داشته باشند آنها تمیز نمایند، و باکفش پوشیده در مسجد رفتن بی ادبی است<sup>(۲)</sup>.

در مسجد بچه یا دیوانه یا بیهوش و یا کسی که جنیبات داشته او را برای دم کردن در مسجد آوردن از نظر شریعت اجازه نخواهد بود، بچه را خوب هم در پارچه پیچیده آورده نمی توانید. اگر شما آوردن بچه و غیره را در مسجد فراموش کرده اید پس از روی لطف و عنایت! فوراً توبه نموده از نیاوردن آن در آینده عهد کنید (کسی که نسخه ممنوعیت را می خواند و بچه به همراه دارد پس درخواست می کنیم که فوراً بچه را از مسجد بیرون ببرد و توبه هم بکند بلی در فنای مسجد بچه را آورده می توانید در صورتی که از بین مسجد عبور نگردهد.

---

(۱) ابن ماجه، کتاب المساجد، باب ما یکره فی المسجد، ج ۱، ص ۴۱۵، شماره حدیث (۷۵۰).

(۲) بهار شریعت حصه ۳، ص ۹۲.